

# روایت یک فرنگی از کتاب، نگارش و تحصیل در عهد صفوی

در سال ۱۰۵۷ ه. ق. (۱۶۴۷ م) یک کشیش کاتولیک فرانسوی، به نام رافائل دومان، برای تبلیغ مذهبی به ایران آمد و در اصفهان - که پایتخت صفوی بود - رحل اقامت افکند و تا پایان عمر (۱۶۹۶/۱۱۰۸) قریب پنجاه سال در آنجا ماند و پس از مرگ در جلفا به خاک سپرده شد. رافائل که در زمان رسیدن به ایران ۳۴ ساله بود، زبان فارسی را خوب یادگرفت و با زندگی و خلق و خوی ایرانیان نیک آشنا شد. او سالیان دراز مترجم رسمی دربار، در تماس با هیأت‌های نمایندگی و بازرگانان اروپایی بود.

از کشیش رافائل سه رساله و چندین یادداشت و نامه به فرانسوی و لاتین برجای مانده است که ایران‌شناس پرکار و ارجمند فرانسوی، فرانسیس ریشار، آنها را با توضیحات وافی در دو مجلد چاپ کرده است. این کتاب یکی از منابع ارزشمند تاریخ ایران در نیمه دوم عمر دودمان صفوی است. اما آنچه در اینجا مورد توجه قرار گرفته و نقل می‌شود اطلاعاتی است که مؤلف، به تفاریق و برحسب موقع، درباره کتاب و تحصیل در اصفهان (و در واقع ایران) آن روزگار، ضبط کرده است.

## تراشیدن قلم و شیوه نگارش

در اینجا، ضمن تراشیدن یک قلم، یا در واقع به قول خودشان نی<sup>۱</sup>، که همان نی هندی یا خیزران است، به گونه‌ای عمل می‌کنند که خرده‌تراشه‌ها روی زمین نیفتند، زیرا که ممکن است که در زیر پا لگد بشوند، چه این کار را گناهی بزرگ در درگاه خدا به حساب می‌آورند و می‌گویند علت این است که ممکن است این قلم بارها نام خدا را نوشته باشد. همچنین رسم ایشان این است که در بالای هر نوشته از کتابت گرفته تا عرض حال و قباله کلمه هو را می‌گذارند که اشاره به خدای

است و نوشته را از چهار انگشت پایین تر از آن شروع می‌کنند. آن‌گاه تراشه‌های قلم را در محل مطمئنی که زیر پا نباشد، جای می‌دهند (ورق ۴۴ الف).

### اهل قلم

اکنون درباره قلم سخن می‌گوییم. قلم در اینجا از چوب ساخته می‌شود، یعنی نی هندی کوتاه، که سه دسته از مردم یعنی فقها، قضات و مستوفیان آن را با نهایت بهره‌وری و چالاکی و مهارت، به کار می‌برند همان‌گونه که اهل رزم به چالاکی و تردستی و مهارت شمشیر را به کار می‌اندازند. در رأس دسته اول صدر قرار دارد، که اداره امور اوقاف هم با اوست و اوقاف را به کسانی که استحقاق دارند، می‌رساند (ورق ۵۵ الف).

### خط

در اینجا چند نوع خط رایج است، مثل نستعلیق که زیباترین خط است، اما چندان سخت است که کمتر کسی تعلم آن را به آخر می‌رساند. خط دیگر که آسان تر است، نسخ نام دارد، و این هر دو برای نوشتن نسخه‌های خطی به کار می‌روند، زیرا در اینجا هیچ چاپخانه‌ای وجود ندارد. خط رایج کنونی شکسته نام دارد، و نوعی خط به نام دیوانی به کار می‌رود که خاص قضات است (قول نویسنده در سال ۱۰۷۱/۱۶۶۰).

۴۰۰

### خط

در اینجا سه نوع خط رایج است: نستعلیق، نسخ و دیوانی. نستعلیق خط خاص ایرانیان است، نسخ در میان اعراب رایج است، و دیوانی به معنای خط مورد استفاده در «دیوان قضا» است. ایرانیان، مثل ما با قلم نمی‌نویسند بلکه با نی هندی می‌نویسند، و مرکبی که به کار می‌برند خیلی غلیظ است اما از مرکب ما سیاه تر و جاندارتر است. علت این است که اینان بر این مرکب مایع - که معروف ما هم هست - علاوه بر ترکیبات معدنی مس، مازو و صمغ عربی و دوده و صمغ کاج و غیره می‌افزایند و آنها را به حد اشباع به هم می‌زنند. برحسب قولی که میان ایشان شایع است، برای آن‌که یک مرکب خوب فراهم شود، باید صبر کرد تا این مواد جا بیفتند، آن‌گاه آنها را در مقداری معین از آب حل کرد و درون شیشه ریخت و شیشه را لایق قطع حرکت داد تا اجزای مواد درهم بیامیزند، و برای اطمینان از خوبی مرکب باید امتحان کرد که آیا با یک تکه شیشه یا عقیق یا سنگ مرمر هم می‌توان آن را بر روی کاغذ رسم کرد یا نه (قول نویسنده در ۱۰۷۹/۱۶۸۵).

### کاغذ

کاغذ در اینجا از سلولز پنبه درست می‌شود، همان‌گونه که در سرزمین ما از شاهدانه و کتان

به دست می آید. از سمرقند و ماوراءالنهر کاغذ بس ظریفی به اینجا حمل می شود که ورقه های آن بزرگ است اما از جنس پنبه و کتان و شاهدانه نیست، بلکه از جنس گیاهی دیگر است که کاغذ را شفاف می نمایند، و به همین جهت نقاشان آن را به کار می برند، به این معنی که تصویر یا پرده مورد نظر خود را زیر کاغذ می گذارند و از روی آن نقاشی می کنند.

### کتابخانه

در تشکیلات دیار هیچ نظمی نیست، و به همین ترتیب کتابهای شاه در جایی که کتابخانه نام دارد، بدون نظم و ترتیب درون صندوقها (بخدانها) ریخته شده اند، و در هیچ قفسه ای برحسب هیچ نظمی جای ندارند، برخلاف آنچه در دیار ما رسم است؛ و در نتیجه اشخاص علاقه مند یا کنجکاو نمی توانند به آسانی کتاب مورد نظر خود را پیدا کنند. اینان از صنعت چاپ، که علوم در پرتو آن می درخشند و شهرت یک مؤلف مرهون آن است، محروم هستند. اینان جز از نسخه خطی استفاده نمی کنند، و لذا در کتابت ایشان اشتباهات بسیار روی می دهد که ناشی از ناآگاهی و یا هوا و هوس کاتبان است. مردم با یک تابلوی نقاشی بی نظیر همچون تصویر کتاب رفتار می کنند.

### کتاب نویسی

کتابهای این مردم دچار تغییر شکل و استحاله عجیبی می شود. در واقع، در حالی که مؤلف هنوز زنده است و نفس می کشد، اگر کتابش مورد اقبال مردم واقع شود، از آن استقبال می کنند و بارها از روی آن می نویسند، اما به میل و سلیقه خودشان. و لذا اگر مؤلف کتاب خود را بعد از چند سال در جایی ببیند چندان استحاله شده است که به زحمت آن را بازخواهد شناخت و آن را «تخم حرام» توصیف خواهد کرد، و حال آن که در دیار ما، چاپ اثر مؤلف و نام او را خدشه ناخورده، جاودانه حفظ می کند.

### خرید و فروش کتاب

کتابی که در معرض فروش گذاشته می شود برحسب میزان زیبایی خط و تعداد سطرها یا ابیات برآورد قیمت می شود. معمولاً پنجاه حرف یک سطر را تشکیل می دهند، و چنین محاسبه می شود که در یک صفحه فلان تعداد سطر وجود دارد، و در یک کتاب فلان تعداد صفحه. آن گاه قیمت را حساب می کنند و چانه زدن شروع می شود. یک نوشته خوش خط پنج عباسی قیمت دارد، و نوشته متوسط سه عباسی و نوشته فاقد کیفیت ۱/۵ عباسی. به این ترتیب تعداد صفحات و پول سطرها به نحو خارق العاده ای افزایش می یابد و بهای یک کتاب به دو یا سه تومان می رسد، در حالی که در کشور ما ممکن است به چند صدم این مبلغ فروخته شود.

ایرانیان، حواشی کتاب را با خطوط طلائی، سرخ، لاجوردی، قهوه‌ای و غیره به اشکال بسیار زیبا می‌آرایند. همچنین سرآغاز کتاب و ابتدای فصلها را با نقاشیهای رنگی که بسیار گران تمام می‌شود، تزیین می‌کنند. اما اگر چنین کتابی برای فروش عرضه شود، دیگر تذهیبها و تزیینهای آن به حساب نمی‌آید و فقط تعداد سطور و کیفیت خط در تعیین قیمت مداخلیت دارد.

### کتاب درسی و علوم

طلاب، علاوه بر کتاب دستور (تصریف)، کتابهایی می‌خوانند در منطق، طبیعی، الهی، فقه، ریاضی، علم حساب، هندسه، نجوم، تقویم، زیج؛ و این کتابهای اخیر بر دستگاه بطلمیوس که همان جبر قدیم باشد (۱) استوارند. اینان هیچ کتاب هندسه دکارت را [چاپ ۱۶۳۷/۱۰۴۷] و نیز آنالیز را نمی‌شناسند و به کار نمی‌برند بلکه از کتابهای اقلیدس، جراثقال منه لائوس و ثئودوسیوس، و المجسطی بطلمیوس که از قدما به ایشان رسیده استفاده می‌کنند. در میان دانشمندان متأخر ایشان شخصی هست به نام خواجه نصیر که کتابهای بسیار نوشته است. او در چهارصد سال پیش از این در خراسان درخشید و به بهترین وجه و با مهارت به همه علوم پرداخته است (ص ۳۰۵).

### نگارش

ایرانیان به هنگام نوشتن نامه، برای آنکه سطرها خوب جا بیفتند، آنها را به صورت مورب یا قوس مانند می‌نویسند. ابتدا چهار طرف کاغذ را به خط مستقیم و با مهارت با قیچی می‌برند و آن را به صورت یک متوازی‌الاضلاع درمی‌آورند و بعد گوشه راست پایین کاغذ را می‌برند و آن را به صورت نامنظم و به قول خودشان منحرف درمی‌آورند. علت این امر این است که به عقیده ایشان مربع مستطیل یک شکلی کامل است، و از آنجا که چیزهای بکمال از حیظه اداره ما بیرون هستند، نباید با آنها به گونه‌ای رفتار کنیم که گویی متعلق به اراده ما هستند. من فکر می‌کنم که اینان برای اجتناب از توسل به شکل مثلث است که به این شیوه رفتار می‌کنند، زیرا که مثلث را بدیمن می‌شمارند، و حال آنکه اگر مربع مستطیل را از محل قطر آن جدا کنیم به دو مثلث مساوی تبدیل می‌شود. شاید بیزاری ایشان از مثلث به این علت باشد که مسیحیان به اقاویم سه گانه معتقدند و این امر، به عقیده ایشان به هیچ وجه با یگانگی خدا (توحید) وفق نمی‌دهد (ورق ۴۳ و ۴۴).

### چاپ

باید اعتراف کرد و به قول خود ایرانیها «از حق نمی‌توان گذشت» که اگر این ملت همچون ما به چاپ، که یکی از مواهب آسمانی است، ایمان واقعی می‌داشتند و آن را برای انتقال پیام به عامه

مردم و تنظیم قرائات و تدریس و مطالعه به کار می بردند، یعنی همان کارهایی که معمولاً تحصیلکردگان ما انجام می دهند، می توانستند - اگر نگریم از ما پیش بیفتند - حداقل با ما برابری کنند، زیرا که از اوان کودکی تا سن پیری و از کارافتادگی تحصیل می کنند، در حالی که ما، مثلاً در فرانسه، همین که تا سن ۱۸ یا ۲۰ سالگی، کمی در کلاسهای درس وول خوردیم - آن هم به زور و اجبار، دیگر برای تعمیق سواد خود به تحصیل ادامه نمی دهیم و علوم را تعمیق نمی دهیم، و غالب مؤلفان روزگار ما مردمی چهره عوض کرده هستند تا به خواننده القای نوآوری کنند (ورق ۵۸ الف).

### شعر و شاعری

مردم اینجا برای شعر سرودن سختی بلند دارند که ماهوری است. شعرهایشان، مرکب از مصراعهای مترادف است، همان گونه که ما در فرانسه داریم، اما شباهتی به اشعار لاتینی ندارند. اینان دارای تعداد بی شماری شاعران خوب هستند که اشعارشان بس خوب و دلکش است.

### تاریخ و مورخ

اینان همچنین دارای تعداد معتناهی مورخ هستند، و چندان کهن هستند که فکر می کنم به تاریخی بس کهن می پردازند، خیلی پیش تر از خلق نخستین پدر ما، آدم؛ زیرا که اینان پیش از بنی نوع آدم عالمی دیگر را قرار می دهند که سالیان سال پیش از آدم در تصرف نسلی از موجودات بوده است. و می گویند آدم به علت بی ثباتی در شناخت خود و تسلیم نشدن در برابر پروردگار از احاطه بر آن عالم محروم شد. (همان جا).

در اینجا یک کتاب قطور چند جلدی هست که دربردارنده تاریخ عمومی عالم است و روضه الصفا نام دارد؛ آکنده از تاریخ نگاری بد، افسانه، و تواریخ بی سر و ته برگرفته از همه ملت های جهان. این کتاب را می توان برای رفع کنجکاوی و کشف روحیه مؤلف و میزان اطلاعات و جعلیات او خواند.

### صحاف

یکی از مشاغل رایج در اصفهان صحافی است. صحاف کسی است که کتابها را ته بندی و تجلید می کند، و البته کاملاً و کلاً به شیوه یونانی، یعنی بدون شیرازه، و از حق نگذریم که عطف کتاب را در وضعیت خوبی نگاه می دارد، اما مانع از آن می شود که کتاب از وسط خوب باز بشود؛ و اگر بدان فشار بیاید در هم می شکند و عطف جدا می شود و به صورت ناودان (۱) در می آید.

صحافها اوراق کتابها را، با یک چاقوی بلند می برند و آنها را سوهان می زنند تا یکدست شوند، اما برخلاف آنچه در میان ما رایج است، هنوز دستگاه قید و برش ندارند. از اکلیلی کردن برش و اوراق و ساغری هم در اینجا خبری نیست. این کارها مختص کتابهای ماست که دربردارنده

## زیان

زیان روستائیان به کلی متفاوت از زیان شهری هاست، علی‌الخصوص در کاربرد انبوهی از کلمات. و اما در کلمات مشترک هجای آخر را چنان می‌شکنند و تغییر می‌دهند که فهم آن - مگر با دقت بسیار - مشکل می‌شود، و می‌توان آن به زیان «بژگو» (= باز هم بگو) تعبیر کرد... یک نمونه این تفاوت این است که روستائیان به جای مثلاً «امروز بس است» می‌گویند: «آرویسو» (۸۸ الف).

## تحصیل

در تحصیل علوم، میان یک محصل ابتدایی که درس دستور زیان می‌خواند، تا یک مقام دانشگاهی بس درجات و مراحل، در سطح مادی و در حد معنوی، وجود دارد. البته در اروپا! در اینجا از این مدارج خبری نیست. تحصیل بدون نظم است و بدون کمک چاپ انجام می‌گیرد. در اینجا استادان فقط به این دلیل می‌کوشند تا تعداد قابل توجهی شاگرد جلب کنند تا آنان را به اسباب تبلیغات برای کسب شهرت تبدیل نمایند. همین شیوه در کسب مدارج قشورنی هم مشهود است. همه چیز به نَسب است نه به حسب... (۹۷ ب).

## زبان علمی

همان قسم که ما در دیار خود زبان لاتین را به کار می‌بریم، زبانی که اینان در اینجا برای تحصیل علوم به کار می‌برند، عربی است که متشکل از: تصریف و نحو و لغت است... اینان برای آموختن این زبان روشی خاص خود به کار می‌برند، که برخلاف سنت رایج در میان ما، هدف از آن کسب توانایی نگارش، و مکالمه و تعبیر و تفسیر به آن زبان نیست. این ایرانیان به همین اکتفا می‌کنند که عالمی را پیدا کنند که به راحتی و درباره هر چیز حرف بزند، و در این مورد شبیه به ایتالیایی‌ها هستند.

## مدرسه

در اصفهان بیش از صد مدرسه وجود دارد، اما شبیه مدارس ما نیستند و خبری از کلاسها و مدارج تحصیلی در اینجا نیست. در هر مدرسه چندین حجره وجود دارد، و هر حجره دارای فقط یک در است، پنجره ندارد. در هر حجره یک، دو و سه طلبه به سر می‌برند، درس می‌خوانند، می‌خورند و در همان‌جا می‌خوانند. در صدر هر مدرسه یک مدرس قرار دارد. طلاب می‌توانند بر حسب دلخواه و سلیقه خود، معلم و مدرس را انتخاب کنند.

## پی‌نوشت:

۱- هر جا کلمه‌ای با حروف خوابیده (ایرانیک) ضبط شده، عیناً منقول از متن اصلی است.